

تحولات ژئوپولیتیک و جایگاه جدید ژئوپولیتیک منطقه پاسیفیک

دکتر محسن مدیر شانه‌چی *

چکیده

در این نوشتار، ابتدا تعاریفی از ژئوپولیتیک ارائه و به شکل‌گیری مقولات جدید ژئوپولیتیک و تحولات حادث در ژئوپولیتیک اشاره می‌شود. سپس با عطف توجه به هارتلند در مقام ایده محوری ژئوپولیتیک و ذکر تعاریفی درباره آن، از جابه‌جایی و گرایش مکانی هارتلند به خاورمیانه با توجه به جایگاه و موقعیت این منطقه در محدوده زمانی نیمه دوم سده بیستم سخن به میان می‌آید. در این زمینه نمودهایی از توجهات سیاسی، اقتصادی و نظامی در قالب برخی سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و پیمان‌های معطوف یا مختوم به خاورمیانه بیان می‌شود. گرایش هارتلند به سمت جنوب شرقی با کسب موقعیت جدید ژئوپولیتیک شرق و جنوب شرقی آسیا و اشاره به زمینه‌ها و مؤلفه‌های نیل به این جایگاه که به لحاظ زمانی هم‌زمان با چرخش قرن رخ می‌دهد، موضوع بحث بعدی است. سرانجام نقش اقیانوسیه در مقام دنباله طبیعی جنوب شرقی آسیا و قرار گرفتن اقیانوسیه و آسیای جنوب شرقی در منطقه واحدی که از آن با عنوان پاسیفیک می‌توان یاد کرد، بررسی و در نهایت از این منطقه در مقام هارتلند قرن بیست و یکم یاد می‌شود.

کلید واژه‌ها

ژئوپولیتیک، هارتلند، اوراسیا، خاورمیانه، آسیای جنوب شرقی، اقیانوسیه، پاسیفیک

* استادیار علوم سیاسی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

مقدمه

ژئوپولیتیک^۱ یا سیاست جغرافیایی در مقام موضوعی میان رشته‌ای، هم از منظر جغرافیا و هم سیاست، از بحث انگیزترین موضوعات علمی است. ژئوپولیتیک به‌عنوان مقوله‌ای بدو و عمدتاً نظامی، در پی رابطه‌ای طبیعی و کاربردی میان موقعیت جغرافیایی کشورها و قدرت آنها بود. طبعاً جغرافیا و مقتضیات جغرافیایی یک کشور می‌توانست شامل شمار جمعیت، نوع دسترسی به راه‌ها و گذرگاه‌های دریایی و زمینی و میزان منابع باشد. همچنین قدرت یک کشور به‌ویژه شامل قدرت نظامی آن کشور بود که به خودی خود قدرت و استیلا سیاسی را به همراه داشت.

بدین‌سان اصطلاح هارتلند^۲، ایده محوری ژئوپولیتیک، از این استدلال نشأت می‌گرفت. سرزمینها و مناطق مساعد، هارتلند یا قلب جهان محسوب می‌شدند و دولت یا دولت‌های قرارگرفته در هارتلند یا تصرف‌کننده آن قدرتمند و مسلط بوده و بر جهان حکمروایی داشته و دارند.

ژئوپولیتیک به مثابه مبحثی علمی و پویا از هنگام بنیانگذاری آن در سده نوزدهم به این سو دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری شده است. همچنین مفاهیم و برداشت‌های قدرت و نیز منابع قدرت تا حدودی تحول یافته‌اند. بدین ترتیب نه تنها مفهوم هارتلند تا حدود زیادی تغییر و توسعه یافته، بلکه مکان و موقعیت آن نیز تغییر یافته و در گذر زمان به سمت شرق متمایل شده است.

گفتار اول: ژئوپولیتیک و مقولات ژئوپولیتیک؛ تعاریف و تحولات

همچون بسیاری از دانش‌ها و رشته‌های دیگر، از ژئوپولیتیک تعاریف بسیاری صورت گرفته است اما وجه مشترک همه این تعاریف برقراری نوعی رابطه میان فضا یا مکان و سیاست است. از نگاه کالین فلینت^۳، ژئوپولیتیک در یک برداشت اقدام کشورها به کنترل سرزمین یا قلمرو و رقابت بر سر آن است (فلینت، ۲۰۰۶: ۱۳). پیتر تیلمور^۴ و کالین فلینت در کتاب دیگری در این زمینه ژئوپولیتیک را مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت در میان کشورهای جهان تعریف می‌کنند

1- Geopolitics

2- Hartland

3- Colin Flint

4- Peter Taylor

(تیلور و فلینت، ۲۰۰۰: ۳۷۱). کلاوس دادز، ژئوپولیتیک را رویکرد خاصی به سیاست‌های جهانی می‌خواند که در آن براهمیت سرزمین و منابع تأکید می‌شود (Dodds, 2000 : 162).

به اعتقاد سال کوهن، ژئوپولیتیک مطالعه کاربردی رابطه فضای جغرافیایی با سیاست است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۲۵). ژئوپولیتیک طبق تعریف کاتلین باردن و فرد شلی مطالعه روابط و کشمکش‌های بین‌المللی از منظر ژئوپولیتیکی است (باردن و شلی، ۲۰۰۰: ۵). هارتشورن با برقراری نسبت میان جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی و عطف توجه به روابط بین‌الملل در سیاست جغرافیایی یا ژئوپولیتیک، این علم را کاربرد علوم و فنون جغرافیای سیاسی در مسائل روابط بین‌الملل می‌خواند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۳۲). ژئوپولیتیک، همچنین نوعی روش تحلیل سیاسی خوانده شده است که در آن بر نقش جغرافیا در روابط بین‌الملل تأکید می‌شود (ازغندی و روشندل، ۱۳۷۴: ۱۶). در تعریفی گسترده‌تر، ژئوپولیتیک به بررسی تأثیر پدیده‌های جغرافیایی بر ساختارها و نهادهای سیاسی حکومتی و غیر حکومتی و تحولات آنها و خصوصیات روابط با دیگر دولت‌ها اطلاق شده است (عزتی، ۱۳۷۳: ۸۸). ژئوپولیتیک همچنین شناخت صحیح عوامل ثابت و متغیر طبیعی ناشی از جبر جغرافیایی و تأثیر متقابل آنها و ضرورت‌هایی که سیاست‌های برخورد با آنها را تبیین می‌کند، خوانده شده است (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۷۲).

سرانجام، برای ارائه تعاریفی جامع و دایره‌المعارفی از ژئوپولیتیک به تعاریف این مفهوم در دیکسیونر سیاسی آکسفورد و دیکسیونر بین‌المللی وبستر می‌توان اشاره کرد. بنا به تعریف آکسفورد، ژئوپولیتیک بر محدودیت‌هایی تأکید دارد که موقعیت مکانی و محیط بر سیاست خارجی اعمال می‌کند و در تأکید بر تداوم واقع‌گرایی سیاسی مدرن سهیم است (McLean, 1996: 203). طبق تعریف وبستر نیز ژئوپولیتیک مطالعه تأثیر عواملی چون جغرافیا، اقتصاد و جمعیت بر سیاست خارجی یک کشور است (Gove, 1986: 950).

اگرچه ژئوپولیتیک گاه دانش نیمه اول قرن نوزدهم خوانده شده است، در نیمه دوم قرن بیستم نیز از یک سو با تعدیل دیدگاه‌های افراطی و از دیگر سو با خلق عرصه‌های جدید ژئوپولیتیکی گستره‌ای وسیع‌تر یافت و خود را برای نقش آفرینی در قرن بیست و یکم مهیا ساخت. ژئوپولیتیسین‌هایی چون ریموند دانکن، کلاوس دادز، سال کوهن، دیجکینک، مایکل دان وارد و اتواتایل در آثار خود با عناوینی مانند سیاست‌های جهان در قرن بیستم، تحولات جهانی ژئوپولیتیک در دوران پس از جنگ سرد، هویت ملی و دیدگاه‌های ژئوپولیتیکی، ژئوپولیتیک در جهان دگرگون‌شونده، تحول ژئوپولیتیک جهانی، ژئوپولیتیک در عصر جهان نو

و ژئوپولیتیک نو به طرح مقولات جدید ژئوپولیتیک پرداختند و عرصه‌های تازه‌ای را در گستره این علم گشودند. اکنون مباحثی چون ژئوپولیتیک زبان، ژئوپولیتیک اطلاعات، ژئوپولیتیک آب یا هیدروپولیتیک^۱ و ژئوپولیتیک انتقادی یا ضد ژئوپولیتیک تکوین یا توسعه یافته و هر یک خود باب موضوعات و مباحث تازه‌ای را باز کرده است (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۸۹-۱۰۵). به‌طور کلی، ژئوپولیتیک و مقولات وابسته از مطالعات عمدتاً نظامی به مطالعات متنوع‌تر و نه الزاماً نظامی تبدیل شده است.

گفتار دوم: جا به جایی در موقعیت‌های ژئوپولیتیک هارتلند

اصطلاح هارتلند را ایده محوری ژئوپولیتیک می‌توان خواند. هارتلند، طبق تعریف، ناحیه‌ای با اهمیت تعیین‌کننده، محوری یا هسته‌ای و سرزمینی مرکزی است که از نظر ژئوپولیتیسین‌ها دارای قابلیت خود اتکایی به‌عنوان واحدی اقتصادی و نظامی و ایمن برای قدرت دریایی و بنابراین برای سیادت و سروری بر جهان دارای مزایای راهبردی است (Gove, 1986: 1045). نظر به تمرکز بیشترین مسائل و وقایع استراتژیک، سیاسی و اقتصادی در اوراسیا طی قرن نوزدهم، اصطلاح هارتلند در آغاز به این منطقه اطلاق شد. در حقیقت، هارتلند به‌طور سنتی در دنیای قدیم و به‌طور دقیق‌تر در محل تلاقی اروپا و آسیا - دو قاره از سه قاره جهان کهن - قرار می‌گرفت. به تدریج و به‌ویژه در قرن بیستم هارتلند به سمت جنوب و به طرف خاورمیانه متمایل شد؛ به منطقه‌ای که سه قاره و نیز دریاها، خلیجها و آبراهه‌های متعدد منشعب از اقیانوسهای اطلس و هند را پیوند می‌دهد. خاورمیانه سرشار از معادن به‌ویژه منابع انرژی و چهارراه مسیرهای خشکی و دریایی است. به این ترتیب بیشتر سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و پیمان‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی در نیمه دوم قرن بیستم در خاور میانه تمرکز یافت یا به آن ختم شد که از میان آنها می‌توان از ناتو، بغداد، سنتو، سیتو، آرسی دی، اپک، آ‌اپک، شورای همکاری خلیج فارس (جی سی سی پی) و اگو نام برد.

گفتار سوم: گرایش و توسعه هارتلند به جنوب شرقی

در اواخر سده گذشته میلادی، دگرگونی‌ها و تحولات علمی، تکنولوژیک، اقتصادی و سیاسی در شرق و جنوب شرقی آسیا این منطقه را به نقطه‌ای کانونی در جهان بدل ساخت. چرخش یا

1- Hydro politic

انتقال قرن در واقع انتقال بخش عظیمی از قدرت در گستره وسیعی از دانش، فناوری، صنعت، تجارت، ترابری، توریسم، فرهنگ و سیاست به آسیای جنوب شرقی بود. بدین سان، بخش اعظم لوازم و ضروریات تبدیل این منطقه به قطبی جدید، محوری با اهمیت کانونی، فراهم شد.

بعضی از مهم ترین زمینه های این وضعیت جدید به قرار ذیل است:

۱. تبدیل ژاپن به غول اقتصادی و تکنولوژیک؛
 ۲. تشکیل بلوک ین در کنار بلوکهای دلار و مارک (بعداً یورو) و گرفتن بخش قابل توجهی از بازارهای آسیا، خاور میانه و جهان توسط این بلوک؛
 ۳. ارتقاء جایگاه بهره‌های آسیا و افزایش تعداد آنها؛
 ۴. استقلال هنگ کنگ و ماکائو در مقام دو کشور - شهر صنعتی و تجاری؛
 ۵. تقویت آسه آن کم و بیش تا حد بزرگترین اتحادیه اقتصادی پیش از خود، یعنی جامعه اقتصادی اروپا (ای ای سی)؛
 ۶. ایفای نقشی مهم توسط جمهوری‌های آسیایی مستقل شوروی پیشین بخصوص قزاقستان به‌عنوان کشوری پهناور و قدرتی هسته‌ای؛
 ۷. ظهور چین به مثابه ابر قدرت اقتصادی بی‌همانند و بزرگترین تولید کننده و صادر کننده آتی جهان؛
 ۸. بنیانگذاری پیمان شانگ‌های، در برگیرنده حدود دو میلیارد جمعیت، به‌عنوان پدیده‌ای تعیین کننده هم از نظر ژئواکونومیک و هم از منظر ژئوپولیتیک.
- این تحولات، هارتلند را به جنوب شرقی آسیا توسعه داد. اقیانوسیه نیز در مقام دنباله طبیعی جنوب شرقی آسیا طبعاً در معرض این تحولات قرار گرفته است. استرالیا و نیوزیلند - دو کشور اصلی اقیانوسیه - با برخورداری از پتانسیل‌ها و توانمندی‌های گسترده و متنوع در عرصه علم، فناوری، صنعت، کشاورزی، تجارت و منابع علاوه بر جایگاه سیاسی و راهبردی خود در جهان قدرتی محوری و شکوفا محسوب می‌شوند. اقیانوسیه به همراه آسیای جنوب شرقی منطقه ای را شکل می‌دهد که می‌توان از آن با نام منطقه پاسیفیک یاد کرد؛ منطقه ای که از بیشترین پتانسیل‌ها و امکانات بالقوه و بعضاً بالفعل در جهان برخوردار است. به نظر می‌رسد که قرن بیست و یکم را سده پاسیفیک بتوان نام نهاد

وهارتلند را نیز با برداشتها و مفاهیم جدید خود و با گستره‌ای از مضامین ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک^۱، ژئوکولتور^۲ و هیدروپولیتیک باید به این منطقه اطلاق کرد.

نتیجه‌گیری

با تحول مفاهیم و مقولات ژئوپولیتیک و تکوین گرایش‌ها و عرصه‌های جدید در ژئوپولیتیک از یک سو و جابه‌جایی کانون‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک جهان از دیگر سو، تعیین هارتلند به موضوعی مفروض و محل تردید بدل شده است. در حالی که نیمه دوم قرن بیستم شاهد نوعی جابه‌جایی هارتلند به جنوب و به خاور میانه بود، به نظر می‌رسد هارتلند در پایان سده گذشته بیش از پیش به سمت جنوب شرقی تمایل یافته باشد. در نتیجه بیشترین و گسترده‌ترین پتانسیل‌ها و توانمندی‌ها در منطقه پاسیفیک - منطقه‌ای پیوسته متشکل از آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه - علاوه بر برخورداری از موقعیت جغرافیایی جدید محوری، این منطقه را می‌توان هارتلند قرن بیست و یکم نام نهاد.

منابع

الف) منابع فارسی

- ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل (۱۳۷۴). *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*. تهران: سمت.
حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک*. تهران: انتشارات پاپلی.
عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۳). *ژئواستراتژی*. تهران: سمت.

ب) منابع انگلیسی

- Barden, Kathleen, E. and Fred M. Shelley (2000). *Engaging Geopolitics*. Pearson Education Limited.
Dodds, Klaus (2000). *Geopolitics in a Changing World*. Pearson Education Limited
Flint, Colin (2006). *Introduction to Geopolitics*. Landon: Rutledge.
Gove, P (1986). *Webster's Third New International Dictionary*. Merriam-Webster Inc.
McLean, Iain (1996). *Oxford Concise Dictionary of Politics*. Oxford University Press.
Taylor, Peter J. and Colin Flint (2000). *Political Geography*. (Fourth edition). Pearson Education Limited.

1- Geoeconomics

2- Geoculture